

Submit Date: 14 March 2026
Revise Date: 25 May 2026
Accept Date: 01 June 2026
Initial Publish: 04 June 2026
Final Publish: 22 June 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Legitimacy and International Legal Consequences of Attacks on Peaceful Nuclear Facilities: A Case Study of the Fordow Facility

Hossein Sartipi*¹

1. Assistant Professor of International Law, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: h_sartipi@pnu.ac.ir

ABSTRACT

This article evaluates the legitimacy and international legal consequences of a military attack against peaceful nuclear facilities through a case study of the Fordow nuclear facility. The central question is how such an attack should be assessed under the framework of the United Nations Charter and international humanitarian law, and what implications it may have for the responsibility of the attacking state and the nuclear non-proliferation regime. The theoretical framework is grounded in the prohibition of the use of force, the principles of necessity and proportionality in self-defense, the principle of distinction, and the obligations arising from the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT) and the safeguards system of the International Atomic Energy Agency (IAEA). The research adopts an analytical-comparative methodology based on international legal instruments, decisions of the International Court of Justice, and the practice of the United Nations Security Council. The findings indicate that such an attack lacks a valid legal basis and simultaneously constitutes a violation of the United Nations Charter, the rules of international humanitarian law, and non-proliferation obligations, thereby giving rise to extensive international responsibility. The article concludes by proposing normative and institutional measures aimed at safeguarding the immunity and protection of peaceful nuclear facilities.

Keywords: *Use of force; self-defense; peaceful nuclear facilities; international responsibility of states; non-proliferation.*

تاریخ ارسال: ۲۳ اسفند ۱۴۰۴
 تاریخ بازنگری: ۴ خرداد ۱۴۰۵
 تاریخ پذیرش: ۱۱ خرداد ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ اولیه: ۱۴ خرداد ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

مشروعیت و آثار حقوقی بین‌المللی حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای: مطالعه موردی تأسیسات فردو

حسین سرتیپی^{۱*}

۱. استادیار حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: h_sartipi@pnu.ac.ir

چکیده

این مقاله مشروعیت و آثار بین‌المللی حمله نظامی به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای را با مطالعه موردی تأسیسات فردو ارزیابی می‌کند. سؤال اصلی آن است که چنین حمله‌ای از منظر منشور ملل متحد و حقوق بشردوستانه چه وضعیتی دارد و چه پیامدهایی برای مسئولیت دولت مهاجم و رژیم عدم اشاعه به‌جا می‌گذارد. چارچوب نظری بر اصل منع توسل به زور، ضرورت و تناسب در دفاع مشروع، اصل تفکیک، و تعهدات ناشی از معاهده عدم اشاعه و پادمان‌های آژانس استوار است. روش تحقیق، تحلیلی-تطبیقی و مبتنی بر اسناد بین‌المللی، آراء دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه شورای امنیت است. یافته‌ها نشان می‌دهد حمله مزبور فاقد مبنای معتبر حقوقی بوده و نقض هم‌زمان منشور، قواعد بشردوستانه و تعهدات عدم اشاعه است و مسئولیت بین‌المللی گسترده‌ای ایجاد می‌کند. مقاله در پایان پیشنهادهایی هنجاری و نهادی برای صیانت از مصونیت تأسیسات صلح‌آمیز ارائه می‌دهد.

کلیدواژگان: توسل به زور؛ دفاع مشروع؛ تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز؛ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؛ عدم اشاعه

نحوه استناددهی: سرتیپی، حسین. (۱۴۰۶). مشروعیت و آثار حقوقی بین‌المللی حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای: مطالعه موردی تأسیسات فردو. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، (۲)۵،

۱-۱۳.



مقدمه

تحولات اخیر در عرصه روابط بین‌الملل نشان داده است که موضوع امنیت هسته‌ای، یکی از حساس‌ترین و چالش‌برانگیزترین مباحث نظام حقوق بین‌الملل معاصر به شمار می‌رود. در این میان، حمله یا تهدید به حمله علیه تأسیسات هسته‌ای با کاربری صلح‌آمیز، نه تنها پیامدهای انسانی و زیست‌محیطی گسترده‌ای دارد، بلکه مبانی بنیادین حقوق بین‌الملل، از جمله اصل منع توسل به زور، اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، و حق دولت‌ها در بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز را نیز به چالش می‌کشد.

از زمان تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تصویب معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، نظام حقوقی بین‌المللی تلاش کرده است میان دو ارزش بنیادین تعادل برقرار سازد: از یک سو، حق مسلم دولت‌ها برای دسترسی و استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی، و از سوی دیگر، ضرورت پیشگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و حفظ امنیت جهانی (Boisson de Chazournes, 2016). با این حال، مداخلات یک‌جانبه نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای، همچون حمله ادعایی ایالات متحده به تأسیسات غنی‌سازی فردو، این توازن را بر هم می‌زند و پرسش‌های اساسی در خصوص حدود و ثغور مشروعیت چنین اقداماتی ایجاد می‌کند.

حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای، حتی در فرض صحت ادعاهای امنیتی دولت مهاجم، از منظر حقوق بین‌الملل عام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، واجد آثار حقوقی پیچیده‌ای است (Joyner, 2023). این آثار نه تنها به روابط دوجانبه میان دولت‌ها محدود نمی‌شود، بلکه مشروعیت نهادهای بین‌المللی، اعتبار نظام منع اشاعه، و اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (Boisson de Chazournes, 2016). افزون بر این، چنین اقداماتی می‌تواند موجب طرح مسئولیت مدنی و کیفری

بین‌المللی، نقض تعهدات ناشی از منشور ملل متحد، و حتی مسئولیت ناشی از خسارات زیست‌محیطی فراملی گردد (Dupuy & Viñuales, 2018).

در این پژوهش، تلاش می‌شود ضمن تبیین مبانی حقوقی مربوط به مصونیت تأسیسات هسته‌ای با کاربری صلح‌آمیز در برابر حملات نظامی، ابعاد و پیامدهای حقوقی حمله نظامی به این نوع تأسیسات از سوی ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار گیرد. مطالعه موردی حمله به تأسیسات فردو، به‌عنوان یکی از حساس‌ترین و نمادین‌ترین مراکز هسته‌ای ایران، زمینه‌ای فراهم می‌کند تا رابطه میان قواعد منع توسل به زور، اصل ضرورت و تناسب، و حق دولت‌ها در توسعه فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز، به‌صورت تحلیلی و تطبیقی واکاوی شود.

هدف اصلی این مقاله آن است که نشان دهد اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای غیرنظامی نه تنها با اصول بنیادین منشور ملل متحد و مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ناسازگار است، بلکه با تهدید ثبات حقوقی و امنیت جمعی، به تضعیف اعتماد متقابل میان دولت‌ها و فروپاشی نظم هنجاری حاکم بر روابط بین‌الملل منجر می‌شود.

در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، تفکیک میان استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و کاربرد نظامی آن یکی از بنیادی‌ترین مرزهای نظم امنیتی جهانی است. این تفکیک، بر اساس معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌عنوان قاعده‌ای الزام‌آور تثبیت شده است (Boisson de Chazournes, 2016; Nasiri, 2022). با این حال، در دهه‌های اخیر برخی دولت‌ها، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، با تکیه بر دکتین «دفاع پیش‌دستانه» یا «اقدام پیش‌گیرانه»، توسل به زور علیه تأسیسات هسته‌ای سایر کشورها را با توجیه «پیشگیری از تهدیدات احتمالی» در دستور کار قرار داده‌اند (Schmitt, 2003). چنین رویکردی، بنیان حقوقی اصل منع توسل به زور

کرد: نخست، در حمله رژیم صهیونیستی به راکتور اوسیراک عراق در سال ۱۹۸۱؛ دوم، در بمباران تأسیسات هسته‌ای سوریه در سال ۲۰۰۷؛ و سوم، در تهدیدات مکرر نظامی علیه مراکز هسته‌ای ایران طی دو دهه اخیر ([Stockholm International Peace Research, 2023](#)). در هر یک از این موارد، جامعه بین‌المللی با پرسشی بنیادین مواجه بوده است که آیا چنین اقداماتی، به استناد دفاع مشروع یا ضرورت امنیتی، می‌تواند با اصول بنیادین منشور ملل متحد سازگار تلقی شود یا خیر ([Castelli, 2023](#)).

در ادبیات حقوقی، دیدگاه‌های متعارضی در این زمینه وجود دارد. گروهی از حقوقدانان همچون «مایکل شافر» و «دانیل بتلم» معتقدند که مفهوم دفاع مشروع در ماده ۵۱ منشور باید به گونه‌ای پویا تفسیر شود تا دولت‌ها بتوانند در برابر تهدیدات غیرمتعارف، از جمله احتمال دستیابی دولت‌های متخاصم به توان هسته‌ای، واکنش پیش‌دستانه نشان دهند ([Bethlehem, 2023](#); [Schmitt & Ford, 2022](#)). در مقابل، حقوقدانانی چون «آنتونیو کاسسه» و «کریستین گرین‌وود» این تفسیر موسع را مغایر با هدف اصلی منشور، یعنی منع مطلق توسل به زور، دانسته و تأکید کرده‌اند که دفاع مشروع صرفاً در صورت وقوع حمله مسلحانه بالفعل یا تهدید قریب‌الوقوع به‌طور عینی مجاز است ([Cassese, 2022](#); [Greenwood, 2023](#)).

در زمینه تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز، پژوهش‌هایی از سوی «لارنس بوم» (۲۰۱۱) و «جفری لافام» (۲۰۱۶) به بررسی حقوقی حمله به راکتورهای غیرنظامی پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند ([Kivimäki, 2022](#); [Persbo, 2024](#)) که چنین اقداماتی نه‌تنها ناقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی است، بلکه به موجب کنوانسیون‌های وین درباره ایمنی هسته‌ای و حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای، دولت مهاجم را در معرض مسئولیت بین‌المللی مدنی و کیفری قرار می‌دهد ([International Atomic Energy, 2023](#)).

مندرج در ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد را با چالش مواجه می‌سازد و پرسش‌هایی اساسی درباره مشروعیت و پیامدهای بین‌المللی این اقدامات برمی‌انگیزد ([Gray, 2023](#); [O'Connell, 2023a](#)).

حمله ادعایی ایالات متحده به تأسیسات غنی‌سازی فردو در ایران، به‌عنوان مطالعه موردی، بستر مناسبی برای تحلیل این چالش‌ها فراهم می‌کند. از یک سو، چنین اقدامی می‌تواند نقض آشکار اصول منشور ملل متحد، قواعد آمره حقوق بین‌الملل (*jus cogens*)، و تعهدات مندرج در نظام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تلقی شود ([Cassese, 2022](#); [Nasiri, 2022](#))؛ و از سوی دیگر، آثار آن بر امنیت منطقه‌ای، اعتبار نهادهای بین‌المللی و اصل همکاری‌های صلح‌آمیز در عرصه فناوری هسته‌ای بسیار عمیق و چندبعدی است ([Ruble, 2024a](#)). این پژوهش بر آن است تا در پرتو اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بشردوستانه، ابعاد نظری و عملی چنین اقداماتی را تحلیل کند و نسبت آن را با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مورد بررسی قرار دهد ([Crawford, 2013](#)).

بر این اساس، سؤالات اصلی تحقیق عبارت‌اند از:

۱. حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای با کاربری صلح‌آمیز، از منظر منشور ملل متحد و قواعد آمره حقوق بین‌الملل، چه وضعیتی از حیث مشروعیت حقوقی دارد؟
۲. آثار و پیامدهای بین‌المللی چنین اقدامی بر مسئولیت دولت مهاجم، نظام منع اشاعه و همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای چگونه قابل ارزیابی است؟

پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

مسئله توسل به زور علیه تأسیسات هسته‌ای با کاربری صلح‌آمیز، از دهه ۱۹۸۰ میلادی تاکنون همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در حقوق بین‌الملل بوده است ([Kecskés, 2024](#)). پیشینه این بحث را می‌توان در سه محور تاریخی و تحلیلی دنبال

به تأسیسات تحت نظارت آژانس، نقض صریح این تعهدات تلقی می‌گردد ([Boisson de Chazournes, 2016; Joyner](#),)
([Nasiri, 2022](#)).

بر اساس این چارچوب، مقاله حاضر در پی آن است که از رهگذر تحلیل تطبیقی اسناد، رویه‌ها و نظریات حقوقی، مشروعیت و آثار بین‌المللی حمله نظامی به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای را واکاوی نماید و نشان دهد که چنین اقداماتی نه تنها از منظر حقوقی فاقد وجهت است، بلکه پیامدهای عمیقی بر ثبات حقوقی، امنیت بین‌المللی و اعتماد متقابل میان دولت‌ها برجای می‌گذارد ([Bannelier, 2024; Boisson de Chazournes](#),)
([Ruble, 2024](#)).

مبانی و اصول حاکم بر ممنوعیت حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای

اصل بنیادین منع توسل به زور، که در ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد مقرر شده است، سنگ‌بنای نظم حقوقی بین‌الملل معاصر محسوب می‌شود. این اصل، دولت‌ها را از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی، استقلال سیاسی یا هرگونه اقدام مغایر با مقاصد ملل متحد منع می‌کند. بر این اساس، هر نوع حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای یک کشور، به‌ویژه در صورت کاربری صلح‌آمیز، در تعارض مستقیم با این اصل قرار دارد و تنها در موارد بسیار استثنایی و محدود می‌تواند تحت عناوینی چون دفاع مشروع یا مجوز شورای امنیت، واجد توجیه حقوقی گردد ([Gray](#),)
([O'Connell, 2023a; Ruys, 2023](#)).

در تبیین مبانی این ممنوعیت، سه نظام هنجاری اصلی قابل شناسایی است:

منشور ملل متحد و اصل منع توسل به زور

ماده ۲ بند ۴ منشور، قاعده‌ای آمره (*jus cogens*) در حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود که بر تمامی دولت‌ها، صرف‌نظر از وضعیت عضویتشان در سازمان ملل متحد، الزام‌آور است ([O'Connell](#),)

در ایران نیز، پژوهش‌هایی محدود اما ارزشمند در این زمینه صورت گرفته است؛ از جمله مقالات منتشر شده در «مجله حقوقی بین‌المللی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری» و «مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه تهران» که عمدتاً بر تبیین تعهدات دولت‌ها در چارچوب معاهدات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تفسیر مضیق از مفهوم دفاع مشروع تمرکز دارند ([Mahdavi & Faraji, 2023; Nasiri, 2022](#)). با این حال، تاکنون پژوهشی جامع که به بررسی آثار حقوقی بین‌المللی حمله نظامی به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای با مطالعه موردی حمله ادعایی به تأسیسات فردو بپردازد، انجام نشده است ([Mahdavi & Faraji, 2023; Nasiri, 2022](#)).

از منظر نظری، چارچوب این پژوهش بر سه مبنای حقوقی استوار است:

۳.۱. منشور ملل متحد و اصل منع توسل به زور: ماده ۲ بند ۴ منشور، هرگونه تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت‌ها را ممنوع می‌سازد ([Gray, 2023](#); [O'Connell, 2023a](#)). استثنای دفاع مشروع در ماده ۵۱ نیز به‌طور محدود و در پاسخ به «حمله مسلحانه» تفسیر می‌شود ([Ruys, 2022a](#)).

۳.۲. حقوق بین‌الملل بشردوستانه: بر اساس اصول ضرورت، تناسب و تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز، به‌ویژه در مناطق پرجمعیت، به‌طور نوعی نقض این اصول محسوب می‌شود و مسئولیت بین‌المللی دولت مهاجم را به‌دنبال دارد ([International Committee of the Red Cross, 2023; Schmitt, 2024](#)).

۳.۳. نظام عدم اشاعه و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها: معاهده عدم اشاعه و موافقت‌نامه‌های پادمان آژانس، دولت‌ها را به همکاری صلح‌آمیز و خودداری از هر اقدامی که به تضعیف اعتماد متقابل و امنیت هسته‌ای بین‌المللی منجر شود، متعهد می‌سازد. هرگونه حمله

نظام حقوقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای

بر اساس ماده ۴ معاهده عدم اشاعه، همه دولت‌های عضو از «حق غیرقابل انکار برای توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز» برخوردارند و سایر دولت‌ها موظفاند این حق را محترم بشمارند (*Boisson de Joyner, 2023; Chazournes, 2016*). از سوی دیگر، موافقت‌نامه‌های پادمان آژانس، سازوکار نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورها را فراهم می‌سازد تا از انحراف احتمالی مواد و فناوری هسته‌ای به سمت مقاصد نظامی جلوگیری شود (*International Atomic Energy, 2024; Nasiri, 2022*). حمله به تأسیسات تحت نظارت آژانس، نقض مستقیم تعهدات ناشی از این موافقت‌نامه‌ها و نیز مغایر با روح همکاری بین‌المللی در حوزه علم و فناوری است (*Joyner, 2023*).

علاوه بر این سه نظام، قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز بر ممنوعیت حملات نظامی به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز تأکید کرده‌اند. به‌ویژه، قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت (۱۹۸۱)، که در واکنش به حمله رژیم صهیونیستی به رآکتور اوسیراک عراق صادر شد، چنین اقداماتی را نقض صریح منشور ملل متحد دانست و خواستار خودداری دولت‌ها از هرگونه توسل به زور علیه تأسیسات هسته‌ای شد (*Ruble, 2024b*). این قطعنامه، مبنای تفسیری مهمی برای ممنوعیت عرفی چنین حملاتی در حقوق بین‌الملل معاصر فراهم کرده است.

در مجموع، از تلفیق این اصول و اسناد بین‌المللی می‌توان نتیجه گرفت که حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز، نه تنها فاقد مشروعیت حقوقی است، بلکه به دلیل تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، نقض قواعد آمره و نقض تعهدات عام‌الشمول (*erga omnes*) تلقی می‌شود. این ممنوعیت، بازتاب تلاشی است برای حفظ توازن میان حق دولت‌ها در بهره‌مندی از فناوری صلح‌آمیز و

استثنای مقرر در ماده ۵۱ منشور، یعنی حق دفاع مشروع، صرفاً در صورت وقوع «حمله مسلحانه» مجاز شمرده شده و تفسیر موسع آن برای توجیه حملات پیش‌دستانه از سوی اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان مردود دانسته شده است (*Gray, 2023*). کمیسیون حقوق بین‌الملل و دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای متعددی - از جمله در قضیه «نیکاراگوئه علیه ایالات متحده» (۱۹۸۶) - بر مضیق بودن دامنه دفاع مشروع تأکید کرده‌اند (*Cassese, 2022; Crawford, 2013*). از این منظر، هرگونه حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای که فاقد نشانه‌های عینی تهدید قریب‌الوقوع باشد، نقض صریح منشور تلقی می‌شود (*Ruys, 2023*).

حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اصل تفکیک اهداف نظامی و غیرنظامی

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی آن (۱۹۷۷) تجلی یافته است، بر اصل بنیادین تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی تأکید دارد (*International Committee of the Red Cross, 2023*). بر اساس ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی، تنها اهدافی می‌توانند هدف حمله قرار گیرند که «ماهیت، موقعیت، هدف یا کاربرد آن‌ها به‌طور مؤثر در عملیات نظامی مشارکت داشته و نابودی یا تضعیف آن‌ها مزیتی نظامی قطعی به همراه داشته باشد» (*International Committee of the Red Cross, 2023*). تأسیسات هسته‌ای با کاربری صلح‌آمیز - به‌ویژه آن‌هایی که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت می‌کنند - به هیچ وجه واجد چنین ویژگی‌ای نیستند (*Hayashi, 2023*). افزون بر آن، پیامدهای انسانی و زیست‌محیطی حمله به این مراکز می‌تواند نقض اصول تناسب و ضرورت را نیز در پی داشته باشد (*Geiß & Pejić, 2022*).

مسلحانه بالفعل» یا تهدیدی قریب الوقوع و قابل احراز وجود داشته باشد (Cassese, 2022; Gray, 2023). در خصوص فردو، هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر استفاده نظامی یا انحراف از مسیر صلح‌آمیز ارائه نشده است؛ لذا هرگونه اقدام نظامی پیش‌دستانه در این زمینه، نقض صریح منشور و تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود.

نقض اصول ضرورت و تناسب در دفاع مشروع

حتی اگر استناد به دفاع مشروع را به‌طور فرضی بپذیریم، حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز نمی‌تواند معیارهای ضرورت و تناسب را برآورده سازد. اصل ضرورت ایجاب می‌کند که هیچ وسیله‌ای جز توسل به زور برای دفع خطر وجود نداشته باشد؛ حال آن‌که در این مورد، مسیرهای دیپلماتیک، بازرسی‌های آژانس و سازوکارهای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات همچنان در دسترس بوده است (Ruys, 2022b). همچنین اصل تناسب اقتضا دارد که میزان نیروی به‌کاررفته با ماهیت تهدید ادعایی متناسب باشد (O'Connell, 2023b). حمله به مرکز هسته‌ای‌ای که مواد پرتوزا در آن نگهداری می‌شود، به‌طور طبیعی پیامدهایی بسیار فراتر از دفع تهدید داشته و می‌تواند فاجعه‌ای انسانی و زیست‌محیطی به بار آورد.

نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اصول حمایت از

غیرنظامیان

مطابق ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷)، حمله به اهداف غیرنظامی ممنوع است و تأسیسات هسته‌ای که برای مقاصد صلح‌آمیز به کار می‌روند، در زمره اهداف غیرنظامی محسوب می‌شوند (International Committee of the Red Cross, 2023). افزون بر این، ماده ۵۶ همین پروتکل صراحت دارد که «تأسیسات و نیروهای حاوی نیروهای خطرناک» مانند نیروگاه‌های هسته‌ای نباید هدف حمله قرار گیرند، زیرا حمله به آن‌ها می‌تواند تلفات گسترده و رنج غیرقابل توجیهی برای مردم

ضرورت صیانت از امنیت جمعی و محیط زیست بشری (Boisson de Chazournes, 2023; Cassese, 2022).

تحلیل موردی حمله ایالات متحده به تأسیسات فردو و ارزیابی حقوقی آن

تأسیسات غنی‌سازی فردو، واقع در نزدیکی شهر قم، یکی از مهم‌ترین مراکز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و در چارچوب معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) فعالیت می‌کند (International Atomic Energy, 2024). این مرکز از ابتدای بهره‌برداری، بارها مورد توجه و حساسیت قدرت‌های غربی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، قرار گرفته و در ادبیات سیاسی و امنیتی آنان به‌عنوان «تأسیساتی با قابلیت دوگانه» توصیف شده است (Hibbs, 2023). در سال‌های اخیر، گزارش‌هایی مبنی بر بررسی و حتی طراحی سناریوهای حمله سایبری یا فیزیکی از سوی ایالات متحده به این تأسیسات منتشر شد؛ اقدامی که در صورت وقوع، مصداق آشکار نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و تعهدات امره مندرج در منشور ملل متحد محسوب می‌گردد (United Nations General Assembly, 2023).

از منظر حقوقی، تحلیل چنین حمله‌ای مستلزم ارزیابی آن در چهار چارچوب اصلی است: منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل عرفی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و نظام عدم اشاعه.

نقض اصل منع توسل به زور در منشور ملل متحد

بر اساس ماده ۲ بند ۴ منشور، هیچ دولتی حق ندارد علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر از زور استفاده کند (O'Connell, 2023a). ادعای ایالات متحده مبنی بر «دفاع پیش‌دستانه» در برابر تهدیدات احتمالی ناشی از برنامه هسته‌ای ایران، فاقد پشتوانه حقوقی است، زیرا مطابق رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه (۱۹۸۶) و مشورتی تسلیحات هسته‌ای (۱۹۹۶)، دفاع مشروع تنها زمانی مجاز است که «حمله

دستور کار قرار دهد (Boisson de Chazournes, 2023; Cassese, 2022).

در جمع‌بندی، می‌توان گفت که حمله نظامی ایالات متحده به تأسیسات فردو - در فرض تحقق - از هیچ مبنای حقوقی در حقوق بین‌الملل برخوردار نیست و به صورت مضاعف اصول منشور ملل متحد، قواعد آمره، حقوق بشردوستانه و مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را نقض می‌کند. چنین اقدامی نه تنها مسئولیت بین‌المللی دولت مهاجم را به دنبال دارد، بلکه تهدیدی برای کل نظم حقوقی و امنیت جمعی جهان به شمار می‌رود؛ نظمی که بر پایه همکاری، اعتماد و احترام متقابل میان دولت‌ها در استفاده صلح‌آمیز از علم و فناوری بنا شده است.

نتیجه‌گیری

بررسی ابعاد حقوقی و پیامدهای بین‌المللی حمله نظامی به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای، به‌ویژه با تمرکز بر مطالعه موردی حمله ادعایی ایالات متحده به تأسیسات فردو، نشان می‌دهد که چنین اقدامی از هیچ مبنای معتبر حقوقی در نظام بین‌الملل برخوردار نیست. اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، از جمله منع مطلق توسل به زور، اصل ضرورت و تناسب در دفاع مشروع، اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، و تعهد دولت‌ها به همکاری صلح‌آمیز در بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای، همگی در صورت چنین حمله‌ای به صورت آشکار نقض می‌شوند.

در سطح منشور ملل متحد، هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ناقض ماده ۲ بند ۴ بوده و با فلسفه وجودی سازمان ملل متحد - یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی - در تعارض است. در چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز این اقدام به دلیل خطرات گسترده برای غیرنظامیان و محیط زیست، تخطی از اصول تناسب و احتیاط محسوب می‌شود و می‌تواند واجد وصف جنایت جنگی باشد. در کنار این‌ها، از منظر نظام عدم اشاعه و حقوق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حمله به تأسیسات تحت نظارت

غیرنظامی در پی داشته باشد (Hayashi, 2023). بنابراین، هرگونه حمله فیزیکی یا سایبری به فردو، در تعارض آشکار با این مقررات قرار می‌گیرد و می‌تواند به‌عنوان جنایت جنگی تلقی شود.

نقض تعهدات ناشی از نظام عدم اشاعه و همکاری‌های صلح‌آمیز

بر اساس ماده ۴ معاهده عدم اشاعه، ایران به‌عنوان دولت عضو، از حق مسلم توسعه فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز برخوردار است. فعالیت‌های تأسیسات فردو نیز تحت نظارت مستمر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام می‌گیرد و بازرسان این نهاد تاکنون هیچ مدرکی دال بر انحراف نظامی گزارش نکرده‌اند (International Atomic Energy, 2024; Joyner, 2023).

حمله به چنین تأسیساتی، در واقع نقض حق توسعه صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای و تخطی از تعهدات مندرج در پادمان‌ها و اسناد آژانس محسوب می‌شود (Joyner, 2023). افزون بر آن، چنین اقدامی می‌تواند سایر کشورها را از اعتماد به نظام نظارتی آژانس دلسرد کرده و به فروپاشی همکاری‌های هسته‌ای بین‌المللی منجر شود.

پیامدهای حقوقی برای دولت مهاجم

در صورت تحقق حمله، ایالات متحده به موجب قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱) متعهد به جبران خسارات مادی و معنوی وارده به ایران خواهد بود (Crawford, 2013). این مسئولیت شامل نقض تعهدات عام‌الشمول (erga omnes)، تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، خسارات زیست‌محیطی و خطرات ناشی از نشت مواد رادیواکتیو است. افزون بر این، شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور، صلاحیت واکنش به چنین نقض‌هایی را دارد و می‌تواند حسب مورد، اقداماتی چون محکومیت رسمی، تحریم یا ارجاع موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری را در

۳. ایجاد سازوکار قضایی ویژه در دیوان بین‌المللی دادگستری یا آژانس برای رسیدگی به دعاوی ناشی از حمله به تأسیسات هسته‌ای. این نهاد می‌تواند مرجع تفسیر و ارزیابی مشروعیت اقدامات ادعایی دولت‌ها باشد.

۴. الزام دولت‌ها به گزارش‌دهی منظم به آژانس درباره تدابیر حفاظتی و امنیتی تأسیسات هسته‌ای. این اقدام شفافیت را افزایش داده و بهانه‌های امنیتی برای توسل به زور را کاهش می‌دهد.

۵. ترویج دیپلماسی چندجانبه و تقویت گفت‌وگوهای اعتمادساز منطقه‌ای. در مورد خاورمیانه، می‌توان چارچوبی منطقه‌ای برای تضمین امنیت تأسیسات صلح‌آمیز ایجاد کرد که با حضور کشورهای منطقه و نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اداره شود.

در پایان، باید تأکید کرد که استمرار مشروعیت و اقتدار نظام حقوق بین‌الملل، در گرو وفاداری دولت‌ها به اصول آمره و قواعد بنیادینی است که برای مهار جنگ، حمایت از انسان و پاسداری از امنیت جمعی بنا شده‌اند. حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای، نقض هم‌زمان این سه هدف است و اگر جامعه بین‌المللی در برابر آن واکنشی مؤثر و اصولی نشان ندهد، نظم حقوقی جهانی در برابر توجیهات امنیتی یک‌جانبه متزلزل خواهد شد. از این رو، مسئولیت مشترک جامعه جهانی ایجاب می‌کند که صیانت از تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز را نه صرفاً یک تعهد قراردادی، بلکه تکلیف عام بشری و اخلاقی در حفظ صلح، حیات و محیط زیست بشری بدانند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The question of the legality of military attacks against peaceful nuclear facilities has emerged as one of the most controversial issues in

آژانس، نه تنها بی‌اعتباری این نهاد را به دنبال دارد، بلکه تعهدات متقابل دولت‌ها در بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را نیز تضعیف می‌کند.

با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده، نتایج اصلی این پژوهش را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

۱. حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز، نقض صریح اصول آمره حقوق بین‌الملل و تهدید علیه صلح و امنیت جهانی است.

۲. دفاع پیش‌دستانه یا اقدام پیش‌گیرانه، به‌عنوان مبنایی برای توجیه چنین حملاتی، فاقد جاهت حقوقی در منشور ملل متحد و رویه قضایی بین‌المللی است.

۳. دولت مهاجم، در صورت اقدام، مسئول جبران کلیه خسارات مادی، معنوی، انسانی و زیست‌محیطی بوده و متعهد به پاسخ‌گویی بین‌المللی در قالب مسئولیت دولت‌هاست.

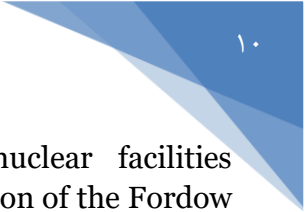
۴. حمله به مراکز تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ضربه‌ای جدی به نظام نظارت جمعی بر فعالیت‌های هسته‌ای و اعتماد متقابل میان دولت‌ها وارد می‌کند.

از این رهگذر، می‌توان پیشنهاد‌های زیر را برای تقویت نظام حقوقی بین‌المللی در برابر چنین تهدیداتی مطرح کرد:

۱. تدوین معاهده بین‌المللی خاص درباره مصونیت مطلق تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز از حمله نظامی. اگرچه اصول کلی در منشور و حقوق بشردوستانه موجود است، اما فقدان سندی اختصاصی موجب تفسیرهای موسع و سوءاستفاده از مفاهیم دفاع مشروع می‌شود.

۲. تقویت نقش شورای امنیت در واکنش پیشگیرانه و سریع به تهدیدات علیه تأسیسات هسته‌ای. شورا می‌تواند از طریق صدور قطعنامه‌های الزام‌آور، پیامدهای سیاسی و حقوقی حملات احتمالی را از پیش روشن سازد.

contemporary international law due to the intersection of collective security, nuclear governance, state sovereignty, and humanitarian concerns. The increasing



securitization of nuclear technology, particularly in regions characterized by geopolitical rivalry, has intensified debates regarding the permissibility of using force against nuclear installations that are formally operating under international safeguards. The legal architecture governing this issue is primarily rooted in the prohibition of the use of force under the United Nations Charter, the right of states to develop and utilize nuclear energy for peaceful purposes under the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT), and the supervisory role of the International Atomic Energy Agency (IAEA). Contemporary scholarship has emphasized that attacks on safeguarded nuclear facilities threaten not only the targeted state but also the integrity of the broader non-proliferation regime and the stability of international legal order (Boisson de Chazournes, 2016; Joyner, 2023; Rublee, 2024a). Recent legal analyses have further argued that attempts to justify military operations against civilian nuclear infrastructure through expansive interpretations of self-defense undermine the restrictive framework envisioned by the United Nations Charter and risk normalizing unilateral uses of force (Greenwood, 2023; O'Connell, 2023a; Ruys, 2023). Within this context, the Fordow Fuel Enrichment Plant occupies a particularly significant position because it has remained under international monitoring while simultaneously being the subject of persistent political and security controversies. The alleged possibility of military action against Fordow therefore provides an appropriate case through which to evaluate the relationship between the prohibition of force, the law of self-defense, the protection of civilian infrastructure during armed conflict, and the legal obligations arising from international nuclear governance arrangements. The present study consequently seeks to assess the international legality and legal consequences of military

attacks against peaceful nuclear facilities through a detailed examination of the Fordow facility and the normative framework governing such actions.

This study adopted an analytical-comparative methodology grounded in international legal doctrine, treaty law, judicial decisions, institutional reports, and state practice. The research examined the legal status of peaceful nuclear facilities under the United Nations Charter, international humanitarian law, the NPT regime, IAEA safeguards arrangements, and the law of state responsibility. Particular attention was devoted to Articles 2(4) and 51 of the United Nations Charter, which respectively establish the prohibition on the use of force and the exception of self-defense. The study also relied on scholarly debates concerning anticipatory and preemptive self-defense, examining both restrictive and expansive interpretations advanced within contemporary legal literature (Bethlehem, 2023; Ruys, 2022a; Schmitt & Ford, 2022). In addition, the analysis incorporated legal standards governing distinction, proportionality, precaution, and protection of civilian objects under international humanitarian law, particularly in relation to installations containing dangerous forces and facilities whose destruction could cause severe humanitarian and environmental consequences (Geiß & Pejić, 2022; Hayashi, 2023; International Committee of the Red Cross, 2023; Schmitt, 2024). The study further evaluated IAEA reports and verification mechanisms concerning Iranian nuclear activities, emphasizing the legal significance of safeguards supervision and international monitoring procedures (International Atomic Energy, 2023, 2024). Finally, the research employed the law of international responsibility to assess the legal consequences that would arise for an attacking state if a military operation against a peaceful nuclear

facility were found to violate international obligations (Crawford, 2013).

The findings demonstrate that a military attack against a peaceful nuclear facility such as Fordow lacks a valid legal foundation under contemporary international law unless it can satisfy the highly restrictive requirements governing the lawful use of force. The prohibition contained in Article 2(4) of the United Nations Charter remains the cornerstone of international legal order and applies fully to military operations directed against nuclear installations located within the territory of another sovereign state (Gray, 2023; O'Connell, 2023a). The study found that arguments based upon preemptive or preventive self-defense face substantial legal obstacles because the prevailing interpretation of Article 51 requires the existence of an actual armed attack or an objectively demonstrable imminent threat rather than speculative future risks associated with technological capabilities (Greenwood, 2023; Ruys, 2022a, 2023). Furthermore, available legal and institutional evidence indicates that facilities operating under IAEA safeguards cannot automatically be characterized as legitimate military objectives merely because concerns exist regarding potential future weaponization. The research therefore concludes that the invocation of self-defense against Fordow would not satisfy the legal criteria of necessity and immediacy recognized in contemporary international law (Bethlehem, 2023; Mahdavi & Faraji, 2023; O'Connell, 2023b). The study also found that international legal practice since the attack on Iraq's Osirak reactor has increasingly reinforced a normative expectation that disputes concerning peaceful nuclear activities should be resolved through verification, diplomacy, and collective security mechanisms rather than unilateral military action (Bannelier, 2024; Rublee, 2024b).

The analysis further demonstrates that military attacks against safeguarded nuclear

facilities are difficult to reconcile with the principles of international humanitarian law. Peaceful nuclear facilities generally retain civilian status unless clear evidence establishes their direct contribution to military operations. Even where military necessity is alleged, the principles of distinction, proportionality, and precaution impose exceptionally demanding obligations because of the potentially catastrophic consequences associated with radiological release, environmental contamination, and long-term public health effects (Geiß & Pejić, 2022; Hayashi, 2023; Schmitt, 2024). The study found that an attack on Fordow could generate consequences extending far beyond the immediate military objective, thereby raising serious concerns regarding proportionality. Moreover, the protection afforded to installations containing dangerous forces reflects the international community's recognition that certain categories of infrastructure require heightened legal safeguards because attacks upon them may create indiscriminate and enduring harm (International Committee of the Red Cross, 2023; Kecskés, 2024). The research also highlights the environmental dimension of such operations, emphasizing that contemporary international law increasingly recognizes obligations to prevent severe transboundary environmental damage during armed conflict (Dupuy & Viñuales, 2018). Consequently, the potential humanitarian and environmental effects of an attack against Fordow substantially reinforce the conclusion that such action would be inconsistent with fundamental humanitarian norms.

A further finding concerns the implications of military attacks for the integrity of the global nuclear non-proliferation regime. The NPT establishes a reciprocal framework in which states accept verification obligations while retaining an inalienable right to peaceful nuclear development. The legitimacy of this

arrangement depends heavily upon trust, cooperation, and confidence in international monitoring mechanisms (Boisson de Chazournes, 2016; Rublee, 2024a). The study found that attacks against facilities operating under IAEA safeguards undermine these foundational assumptions by signaling that compliance with monitoring requirements does not guarantee protection from the threat or use of force. Such actions may weaken incentives for cooperation, erode confidence in verification mechanisms, and encourage greater reliance on unilateral security strategies rather than collective governance approaches (International Atomic Energy, 2024; Joyner, 2023; Persbo, 2024). The research also demonstrates that international responses to previous attacks against nuclear facilities, including diplomatic condemnations and legal objections, have contributed to the emergence of a strong normative expectation against such operations (Rublee, 2024b; Stockholm International Peace Research, 2023). Accordingly, the attack on a peaceful nuclear installation cannot be viewed solely as a bilateral dispute; rather, it represents a challenge to the broader institutional framework governing international nuclear cooperation and collective security.

In conclusion, the study finds that a military attack against the Fordow facility, assuming its peaceful status and continued operation under international safeguards, would be incompatible with the central principles of contemporary international law. Such an action would conflict with the prohibition on the use of force, fail to satisfy the established requirements of lawful self-defense, create serious difficulties under international humanitarian law, and weaken the normative foundations of the nuclear non-proliferation regime. The legal consequences would extend beyond the immediate relationship between the attacking state and the target state, affecting international responsibility,

collective security, environmental protection, and confidence in global governance institutions. The findings underscore the necessity of preserving diplomatic engagement, verification mechanisms, and multilateral legal processes as the primary means of addressing concerns related to nuclear activities. Strengthening international protections for peaceful nuclear facilities, enhancing institutional safeguards, and reaffirming the restrictive interpretation of exceptions to the prohibition of force are essential steps for maintaining international stability and protecting the integrity of the contemporary legal order.

References

- Bannelier, K. (2024). Use of Force against Nuclear Facilities and International Stability: Legal Limits and Policy Risks. *International and Comparative Law Quarterly*, 73(3), 615-642.
- Bethlehem, D. (2023). Principles Relevant to the Scope of a State's Right of Self-Defense against an Imminent or Actual Armed Attack. *American Journal of International Law*, 117(1), 76-89.
- Boisson de Chazournes, L. (2016). The IAEA and the NPT: Balancing Rights and Obligations. In J. Black-Branch & D. Fleck (Eds.), *Nuclear Non-Proliferation in International Law – Volume II* (pp. 23-45). Springer.
- Boisson de Chazournes, L. (2023). International Legal Stability and the Use of Force: Between Normativity and Practice. *European Journal of International Law*, 34(4), 1017-1043.
- Cassese, A. (2022). *International Law* (3rd ed.). Oxford University Press.
- Castelli, L. (2023). Justifying Attacks on Nuclear Facilities. *Defence & Peace Economics*. <https://doi.org/10.1080/10736700.2024.2301883>
- Crawford, J. (2013). *State Responsibility: The General Part*. Cambridge University Press.
- Dupuy, P.-M., & Viñuales, J. E. (2018). *International Environmental Law* (2nd ed.). Cambridge University Press.
- Geiß, R., & Pejić, J. (2022). Proportionality and Environmental Harm in Contemporary IHL. *Yearbook of International Humanitarian Law*, 25, 211-235.
- Gray, C. (2023). *International Law and the Use of Force* (5th ed.). Oxford University Press.
- Greenwood, C. (2023). Restraining the Expansion of Self-Defence: Revisiting Article 51 of the UN Charter. *Leiden Journal of International Law*, 36(4), 945-957.

- Hayashi, N. (2023). Nuclear Facilities and the Principle of Distinction: Revisiting IHL Protection in Contemporary Armed Conflict. *International Review of the Red Cross*, 105(923), 845-867.
- Hibbs, M. (2023). *Iran's Fordow Facility: Between Civil Use and Strategic Suspicion*.
- International Atomic Energy, A. (2023). *Protection of Nuclear Facilities during Armed Conflict: Report of the Director General*.
- International Atomic Energy, A. (2024). *Verification and Monitoring in the Islamic Republic of Iran in Light of United Nations Security Council Resolution 2231 (2015)*.
- International Committee of the Red Cross. (2023). *Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949* (Updated ed.). International Committee of the Red Cross.
- Joyner, D. H. (2023). *International Law and the Proliferation of Weapons of Mass Destruction*. Oxford University Press.
- Keeskés, G. (2024). The Protection of Nuclear Installations in Time of Armed Conflict. *Journal for European Environmental & Planning Law*, 64(4), 508.
- Kivimäki, T. (2022). The Legality and Ethics of Striking Civilian Nuclear Facilities. *Journal of Conflict and Security Law*, 27(3), 401-420.
- Mahdavi, H., & Faraji, N. (2023). Examining the Scope and Limits of Self-Defence in Light of the United Nations Charter and Its Application in Confronting Nuclear Threats. *International Legal Journal of the Center for International Legal Affairs of the Presidency*, 19(72), 45-72.
- Nasiri, A. (2022). States' Obligations within the Framework of International Atomic Energy Agency Safeguards Agreements. *University of Tehran Legal Research Journal*, 54(2), 115-142.
- O'Connell, M. E. (2023a). Necessity and Proportionality in the Law on Self-Defence. *Leiden Journal of International Law*, 36(2), 243-266.
- O'Connell, M. E. (2023b). The Prohibition on the Use of Force: Still Foundational after 75 Years. *International Review of the Red Cross*, 105(923), 765-784.
- Persbo, A. (2024). Protecting Nuclear Facilities during Armed Conflict: Lessons from Zaporizhzhia. *Arms Control Today*, 54(2), 12-18.
- Rublee, M. R. (2024a). Revisiting the Norm against Attacks on Nuclear Facilities: The Enduring Relevance of UNSC Resolution 487. *Journal of Conflict and Security Law*, 29(2), 233-257.
- Rublee, M. R. (2024b). Trust and Cooperation in the Nuclear Non-Proliferation Regime: Reassessing Security and Legitimacy. *Global Governance*, 30(1), 45-68.
- Ruys, T. (2022a). *Armed Attack and Article 51 of the UN Charter Revisited: The Law of Self-Defence against Non-State Actors* (2nd ed.). Cambridge University Press.
- Ruys, T. (2022b). Revisiting the Notion of 'Armed Attack' in Article 51 of the UN Charter. *European Journal of International Law*, 33(4), 1037-1058.
- Ruys, T. (2023). The Grey Zone between Self-Defence and Collective Security: Revisiting the Limits of Unilateral Force. *Leiden Journal of International Law*, 36(1), 29-54.
- Schmitt, M. N. (2003). Preemptive Strategies in International Law. *Michigan Journal of International Law*, 24(2), 513-523.
- Schmitt, M. N. (2024). Applying the Principles of Proportionality and Precaution to Attacks on Civilian Infrastructure. *International Law Studies*, 100, 45-67.
- Schmitt, M. N., & Ford, C. (2022). Evolving Notions of Anticipatory Self-Defence in Contemporary International Law. *International Law Studies*, 99, 211-229.
- Stockholm International Peace Research, I. (2023). *Nuclear Security During Armed Conflict*.
- United Nations General Assembly. (2023). *Letter Dated 20 February 2023 from the Permanent Representative of the Islamic Republic of Iran to the United Nations Addressed to the Secretary-General*.